تازه‌های اقتصاد

یکشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۵
۲۱ جمادی الاولی ۱۴۴۸
۱ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۵۴


۴

۹۰ درصد دارایی‌های سرقت‌شده کاربران بایننس بازیابی شد

حلقه نظارتی همتی بر بانک‌ها تنگ‌تر شد

بانک مرکزی علیه پولشویی



رئیس‌کل بانک مرکزی از تشدید برخوردهای نظارتی و انضباطی با بانک‌هایی خبر داد که در اجرای مقررات مبارزه با پولشویی کوتاهی می‌کنند؛ موضوعی که در کنار شناسایی حساب‌های اجاره‌ای و وکالتی، عزل ۱۱ رئیس شعبه و برنامه سامان‌دهی حساب‌های بانکی، نشان‌دهنده تمرکز بیشتر بانک مرکزی بر جلوگیری از استفاده از زیرساخت بانکی برای دور زدن سیاست‌های اقتصادی است.

عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی به تازگی در نشست با مدیران عامل بانک‌ها با اشاره به گزارش‌های ارائه‌شده درباره تخلفات مرتبط با پولشویی و ایجاد اختلال در بازارهای ارز و طلا اظهار کرد: حجم تخلفات شناسایی‌شده قابل توجه است و بخش مهمی از این موارد در شعب بانک‌ها اتفاق می‌افتد؛ ازاین‌رو، واحدهای مبارزه با پولشویی باید به‌صورت مستمر و عملیاتی فعالیت کنند و صرفاً تشکیلاتی اداری نباشند.

وی با تأکید بر مسئولیت مدیران عامل بانک‌ها در قبال عملکرد شعب تصریح کرد: مدیران عامل باید بر اجرای ضوابط مبارزه با پولشویی در شعب نظارت مستمر و مؤثر داشته باشند. بانک مرکزی نیز فعالیت‌های مرتبط با پولشویی در شبکه بانکی را به‌صورت مستمر رصد می‌کند و با بانک‌هایی که در انجام مسئولیت‌های قانونی خود کوتاهی کنند، برخورد نظارتی و انضباطی خواهد داشت.

همتی در بخش دیگری از این نشست، با قدردانی از همراهی بانک‌ها در کنترل و مهار شتاب نقدینگی، بر ضرورت تداوم این روند و حفظ ثبات اقتصادی تأکید کرد. وی از مدیران بانکی خواست منابع را به سمت تأمین مالی تولید، کسب‌وکارها و نیازهای واقعی خانوارها هدایت کنند و از ورود به فعالیت‌های خارج از وظایف و مسئولیت‌های قانونی خودداری کنند.

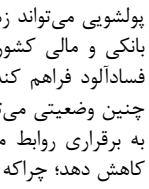
رئیس‌کل بانک مرکزی همچنین درباره مطالبات ادعایی واردکنندگان کالاهای اساسی مربوط به سال‌های گذشته گفت تعیین تکلیف این مطالبات و تأمین منابع موردنیاز بر عهده دولت و دستگاه‌های اجرایی است و بانک مرکزی در این خصوص تعهدی ندارد؛ هرچند نحوه حل این موضوع در دستور کار دولت قرار دارد.

اظهارات اخیر همتی از این جهت اهمیت دارد که برخورد با پولشویی در شبکه بانکی را فقط به شناسایی حساب‌های مشکوک یا تشکیل پرونده برای افراد محدود نمی‌کند، بلکه مسئولیت مدیران ارشد بانک‌ها و نحوه نظارت آنها بر عملکرد شعب را نیز در کانون توجه قرار می‌دهد.

تأکید بر عملیاتی بودن واحدهای مبارزه با پولشویی نیز بیانگر آن است که بانک مرکزی انتظار دارد این واحدها در شناسایی و پیشگیری از تخلفات نقش فعال داشته باشند، نه اینکه صرفاً به انجام امور اداری و ثبت گزارش‌ها بسنده کنند. ادامه در صفحه دو

یادداشت

مبارزه با پولشویی ضرورتی فراتر از نظام بانکی



عبدالمهدی ارجمندنژاد

مدیرکل اسبق مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی بانک مرکزی

رعایت قوانین و مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، یکی از الزامات اساسی برای حفظ سلامت نظام مالی و اقتصادی کشور است. این ضرورت تنها به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری محدود نمی‌شود، بلکه مشاغل و حرفه‌های غیرمالی معین را نیز دربرمی‌گیرد؛ به‌طوری که تمامی فعالان مشمول این مقررات باید متناسب با وظایف و نقشی که در بازار پولی و مالی دارند، به تعهدات خود عمل کنند. اجرای استانداردها و مقررات مبارزه با پولشویی در وهله نخست به نفع خود کشور است. این مقررات با هدف حفظ سلامت مالی جامعه و بازارهای مالی تدوین شده‌اند و نباید تصور کرد که رعایت آن‌ها صرفاً با هدف جلب رضایت کشورهای دیگر یا تسهیل روابط تجاری بین‌المللی صورت می‌گیرد. منافع داخلی اجرای این الزامات، به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌توان آن را یکی از ضرورت‌های حفاظت از نظام اقتصادی کشور دانست.

در کنار این موضوع، رعایت الزامات مبارزه با پولشویی از پیش‌شرط‌های لازم برای برقراری ارتباط با اقتصاد جهانی و توسعه روابط تجاری با سایر کشورهاست. در شرایطی که کشورها در تعاملات اقتصادی و تجاری با یکدیگر قرار دارند و هیچ کشوری در انزوا به سر نمی‌برد، پایبندی به این مقررات اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. کشورهای خارجی نیز برای حفاظت از سلامت نظام‌های مالی خود، در روابط مالی و تجاری به رعایت این استانداردها توجه دارند.

از سوی دیگر، بی‌توجهی به الزامات مبارزه با پولشویی می‌تواند زمینه سوءاستفاده افراد از نظام بانکی و مالی کشور را برای مقاصد غیرقانونی و فسادآلود فراهم کند. علاوه بر پیامدهای داخلی، چنین وضعیتی می‌تواند تمایل کشورهای خارجی به برقراری روابط مالی و تجاری با کشور را نیز کاهش دهد؛ چراکه بسیاری از آن‌ها برای حفاظت از نظام مالی خود، نسبت به رعایت این الزامات حساسیت دارند.

در این میان، بانک مرکزی ابزارهای متعددی برای اجرای مقررات مبارزه با پولشویی در اختیار دارد. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها و تعیین ضوابط و مقررات از جمله اقداماتی است که در این زمینه انجام می‌شود. پس از آگاهی‌رسانی و ابلاغ مقررات نیز وظایف و تعهداتی متوجه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌شود که باید به آن‌ها عمل کنند.

طبیعتاً ابلاغ مقررات به‌تنهایی کافی نیست و در صورت رعایت نکردن این الزامات، بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از ابزارهای نظارتی و قانونی خود با متخلفان برخورد کند. در همین راستا، قانون جدید بانک مرکزی مصوب سال ۱۴۰۲، ابزارهای نظارتی و مجازات‌های لازم را پیش‌بینی کرده است تا بانک مرکزی و هیئت انتظامی آن بتوانند در چارچوب اختیارات قانونی با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری متخلف برخورد کنند. این مجازات‌ها تنها متوجه خود بانک یا مؤسسه اعتباری نیست و می‌تواند مدیران آن‌ها را نیز دربرگیرد.

اهمیت رعایت این مقررات زمانی بیشتر نمایان می‌شود که پیامدهای عدم اجرای آن‌ها در بازارهای اقتصادی نیز مشاهده شود. اشاره رئیس‌کل بانک مرکزی به مشاهده ردپای عدم رعایت مقررات مبارزه با پولشویی در اختلالات بازار ارز و طلا در نشست با مدیران عامل بانک‌ها، بیانگر ابعاد فراتر این موضوع است. این اظهارات مبتنی بر مصادیق و مواردی است که کشف و مشاهده شده و نشان می‌دهد عدم رعایت قوانین و الزامات مبارزه با پولشویی می‌تواند علاوه بر ایجاد تخلف در نظام بانکی، پیامدهای عملی برای اقتصاد ملی داشته باشد و حتی به بروز اختلال در بازار ارز و طلای کشور منجر شود.

بر این اساس، مبارزه با پولشویی را نمی‌توان صرفاً یک الزام قانونی یا نظارتی در شبکه بانکی دانست. رعایت این مقررات از یک سو به حفظ سلامت مالی جامعه و جلوگیری از سوءاستفاده از نظام بانکی کمک می‌کند و از سوی دیگر، زمینه لازم برای تداوم روابط اقتصادی و تجاری با سایر کشورها را فراهم می‌آورد. همچنین، با توجه به ارتباط عدم رعایت این الزامات با اختلالات بازار ارز و طلا، اجرای دقیق آن‌ها از ضرورت‌های حفاظت از ثبات بازار و درنتیجه ثبات اقتصادی کشور به شمار می‌رود.

نسخه جدید بانک مرکزی برای مقابله با حملات سایبری



بانک مرکزی در پی رخدادهای سایبری اخیر، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای تقویت امنیت شبکه بانکی و افزایش توان مقابله با حملات سایبری به مؤسسات اعتباری ابلاغ کرد. بر اساس مصوبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۵ هیأت عامل بانک مرکزی، به بانک‌ها توصیه شده است در ترکیب هیأت‌مدیره خود از عضوی دارای دانش و تجربه کافی در حوزه فناوری اطلاعات استفاده کنند. همچنین بر تقویت جایگاه معاونت فناوری اطلاعات در هیأت عامل بانک‌ها و بهره‌گیری مؤثرتر از ظرفیت کمیته‌های مشورتی هیأت‌مدیره، به‌ویژه کمیته فناوری اطلاعات، تأکید شده است. بانک مرکزی هدف از این توصیه‌ها را ارتقای امنیت سایبری، تقویت توان پیشگیری و شناسایی تهدیدات و افزایش آمادگی بانک‌ها برای مقابله با بدافزارها و حملات سایبری اعلام کرده است.

حراج جدید شمش طلا ۱۲ آبان برگزار می‌شود



صدوشصتمین جلسه حراج شمش طلای مرکز مبادله ایران روز سه‌شنبه ۱۲ آبان‌ماه از ساعت ۱۴ تا ۱۷ به‌صورت خرد و عمده برگزار می‌شود. متقاضیان باید به ازای هر قطعه شمش، پنج میلیارد تومان وجه‌الضمان تا ساعت ۲۴ دوشنبه ۱۱ آبان‌ماه واریز کنند. سقف خرید هر متقاضی در طول یک هفته تقویمی حداکثر ۲۵ قطعه شمش تعیین شده است. فروشندگان عمده شمش طلا، تولیدکنندگان و سازندگان فعال مصنوعات طلا، خرده‌فروشان طلای آبشده و سکوهای برخط فروش طلای آبشده و مصنوعات مجاز به شرکت در حراج هستند. معاملات به‌صورت حضوری و نقدی انجام می‌شود و کارمزد هر طرف معامله دو میلیون تومان است. قیمت پایه نیز روز حراج توسط عرضه‌کننده اعلام می‌شود. متقاضیان جدید باید مدارک مورد نیاز را مطابق شیوه‌نامه مرکز مبادله ارائه کنند.

حقوق مشتریان در کانون مقررات جدید بانکی



هیأت عالی بانک مرکزی «ضوابط حداقل الزامات صیانت از مشتریان مؤسسات اعتباری» را با هدف ارتقای کیفیت خدمات بانکی، حفاظت از حقوق مشتریان و کاهش شکایات تصویب و به شبکه بانکی ابلاغ کرد.این ضوابط شامل ۹ اصل شمول مالی، سواد مالی و آگاهی‌بخشی، رقابت، رفتار عادلانه و منصفانه با مشتریان، افشا و شفافیت، کیفیت محصولات و خدمات بانکی، رفتار حرفه‌ای و فرهنگ سازمانی، امنیت اطلاعات و دارایی‌های مشتریان و رسیدگی به شکایات است.مؤسسات اعتباری موظفند دسترسی عادلانه مشتریان به خدمات بانکی را فراهم کنند، از اطلاعات و دارایی‌های آنان در برابر تقلب و سوءاستفاده محافظت کنند و سازوکارهای رسیدگی مستقل و به‌موقع به شکایات را ارتقا دهند. این ضوابط جایگزین دستورالعمل رسیدگی به شکایات مصوب سال ۱۳۹۳ شده و ۱۵ روز پس از ابلاغ لازم‌الاجراست.

حلقه نظارتی همتی بر بانک‌ها تنگ‌تر شد

بانک مرکزی علیه پولشویی



ادامه از صفحه یک **پولشویی در شبکه بانکی؛ مسئولیت قانونی از سال ۱۳۸۶ تا امروز**

مبارزه با پولشویی در نظام بانکی ایران سابقه قانونی دارد. قانون مبارزه با پولشویی در دوم بهمن ۱۳۸۶ به تصویب مجلس رسید و بانک‌ها و مؤسسات مالی را به‌عنوان اشخاص مشمول، مکلف به اجرای الزامات این حوزه کرد. این قانون در سال ۱۳۹۷ اصلاح شد و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی آن نیز در مهرماه ۱۳۹۸ به تصویب هیات وزیران رسید. در این چارچوب، شناسایی مشتریان، بررسی معاملات مشکوک و همکاری با نهادهای مسئول، از جمله تکالیف مؤسسات مالی و بانکی قرار گرفت. در ادامه این روند، آیین‌نامه اجرایی مقابله و پیشگیری از جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم در مهرماه ۱۴۰۴ مورد اصلاح قرار گرفت و بانک مرکزی در آذرماه همان سال، نسخه اصلاح‌شده را به شبکه بانکی ابلاغ کرد. در این بازنگری، موضوعاتی مانند رویکرد مبتنی بر ریسک، نظارت بر مؤسسات مالی، شناسایی ارباب‌رجوع و اصلاح سازوکارهای گزارش‌دهی مورد توجه قرار گرفت.

با وجود این چارچوب قانونی، پیچیده‌تر شدن روش‌های انتقال وجوه و استفاده از حساب‌های متعدد یا حساب اشخاص دیگر، ضرورت نظارت مستمر و عملیاتی را افزایش داده است. در واقع، اجرای مقررات مبارزه با پولشویی تنها به تدوین دستورالعمل و تشکیل واحدهای تخصصی محدود نمی‌شود؛ بلکه بانک‌ها باید بتوانند تراکنش‌های غیرمتعارف را شناسایی و در صورت لزوم، موضوع را از مسیرهای قانونی پیگیری کنند.

بانک‌ها نباید بستر دور زدن سیاست‌های ارزی بانک مرکزی شوند

در شرایطی که بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز و طلا، محدودیت‌ها و ضوابطی را برای فعالیت بانک‌ها و سایر بازیگران این بازارها در نظر گرفته است، نظارت بر نقل‌وانتقالات بانکی و جلوگیری از سوءاستفاده از زیرساخت‌های شبکه بانکی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در این میان، مبارزه با پولشویی صرفاً به شناسایی منشأ مجرمانه وجوه محدود نمی‌شود، بلکه جلوگیری از استفاده غیرقانونی از بستر بانکی برای بی‌اثر کردن سیاست‌های اقتصادی نیز اهمیت دارد.

حمید تهرانفر، معاون اسبق نظارت بانک مرکزی با اشاره به ضرورت مقابله با سوءاستفاده از امکانات شبکه بانکی، گفت: پولشویی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد از امکانات و زیرساخت‌های نظام بانکی برای انتقال وجوهی استفاده کنند که منشأ قانونی ندارند یا از مسیرهای مجرمانه به دست آمده‌اند. در واقع، بستر بانکی نباید در اختیار افرادی قرار گیرد که قصد دارند فعالیت‌های غیرقانونی خود را از طریق آن انجام دهند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی تخلفات بدون اطلاع بانک‌ها انجام شود، افزود: گاهی افراد با استفاده از روش‌هایی تلاش می‌کنند نقل‌وانتقالات خود را به‌گونه‌ای انجام دهند که مورد شناسایی بانک قرار نگیرد؛ اما در برخی موارد نیز ممکن است تخلفات با اطلاع یا کوتاهی مسئولان بانکی رخ دهد. در هر دو حالت، بانک‌ها باید سازوکارهای نظارتی مؤثری برای شناسایی این موارد داشته باشند.

تهرانفر با اشاره به تأکید رئیس کل بانک مرکزی بر مقابله با تخلفات پولشویی در حوزه ارز و طلا اظهار کرد: در شرایط فعلی، ارز و طلا از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بانک مرکزی نیز برای مدیریت این بازارها محدودیت‌ها و مقرراتی را در نظر گرفته است. اگر اشخاصی با هدف سودجویی، مبالغی را از طریق شبکه بانکی برای خرید ارز با نرخ‌های بالاتر یا در حجم‌هایی که سیاست‌های بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جابه‌جا کنند، در واقع از زیرساخت بانکی برای بی‌اثر کردن سیاست‌های اقتصادی کشور استفاده کرده‌اند.

وی ادامه داد: بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز و طلا، حتی برای برخی بانک‌ها و صرافی‌های فعال در این حوزه محدودیت‌هایی اعمال کرده است. بنابراین، اگر اشخاصی بخواهند این محدودیت‌ها را دور بزنند و نقل‌وانتقالات مالی خود را از طریق شبکه بانکی انجام دهند، بانک‌ها نمی‌توانند نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشند و باید در قبال عملکرد خود پاسخ‌گو باشند.

نقش بانک‌ها در بازگشت ارز حاصل از صادرات

معاون اسبق نظارت بانک مرکزی با اشاره به ارتباط مبارزه با پولشویی و مدیریت منابع ارزی کشور تصریح کرد: بخشی از مسئله به صادرکنندگانی مربوط می‌شود که ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازنمی‌گردانند یا تمام منابع ارزی حاصل از صادرات را عرضه نمی‌کنند. برخی نیز با استفاده از روش‌های مختلف، از انجام تعهدات ارزی خودداری می‌کنند. در چنین شرایطی، حساسیت بانک‌ها نسبت به منشأ و مقصد وجوه و نحوه نقل‌وانتقال آنها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

تهرانفر تأکید کرد: وقتی کشور با محدودیت منابع ارزی مواجه است، نمی‌توان نسبت به چنین تخلفاتی بی‌تفاوت بود. بانک‌ها و بانک مرکزی در این زمینه مسئولیت دارند و باید با استفاده از تمام ظرفیت‌های نظارتی خود، مانع از سوءاستفاده از شبکه بانکی شوند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: انتظار می‌رود بانک‌ها واحدهای مبارزه با پولشویی خود را به‌صورت فعال و مؤثر به کار بگیرند و اجازه ندهند افرادی با دور زدن مقررات، از بستر بانکی برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی یا مختل کردن سیاست‌های ارزی کشور استفاده کنند. در شرایط فعلی، صیانت از منابع ارزی و همراهی شبکه بانکی با سیاست‌های اقتصادی کشور، ضرورتی جدی است.

هشدار بانک مرکزی درباره مسئولیت مدیران عامل و هیات‌مدیره

در همین راستا، حمیدرضا آذرگون، مدیر اداره نظارت بر مبارزه با پولشویی بانک مرکزی نیز در نشست با اعضای هیات‌مدیره، رؤسای کمیته‌های رعایت قوانین مبارزه با پولشویی را بر عهده مدیرعامل، اعضای هیئت عامل و هیئت‌مدیره بانک‌ها دانست و تأکید کرد که این مسئولیت صرفاً به واحدهای تخصصی مبارزه با پولشویی محدود نیست و تمام بخش‌های بانک، از مدیریت‌های ستادی تا شعب، باید الزامات مربوط را رعایت کنند.

مدیر اداره نظارت بر مبارزه با پولشویی بانکی بانک مرکزی همچنین هشدار داد در صورت کم‌کاری بانک‌ها، موضوع ترک فعل برای بانک و مسئولان مربوطه پیگیری خواهد شد. به گفته وی، در صورت مظنون بودن فردی به پولشویی، حساب‌های او و مقررات و مسئولان مبارزه با پولشویی شبکه بانکی، از شناسایی حساب‌های اجاره‌ای و وکالتی مرتبط با پولشویی خبر داد.

آذرگون با تأکید بر ضرورت نظارت جدی‌تر بر تراکنش‌های مشکوک اعلام کرد بررسی‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد برخی افراد برای پولشویی حتی تا ۱۳۰ حساب وکالتی در اختیار داشته‌اند؛ موضوعی که به گفته وی از طریق سامانه‌های شبکه بانکی و بانک مرکزی قابل شناسایی و پیگیری است.

وی مسئولیت اصلی پیاده‌سازی و اجرای مقررات سراسر شبکه بانکی باید در اسرع وقت محدود شود و برای شعب پرریسک نیز بازرسی‌های ویژه انجام گیرد.

عزل ۱۱ رئیس شعبه؛ برخورد با قصور در اجرای مقررات

اقدامات اخیر بانک مرکزی تنها به هشدار و اعلام برنامه‌های نظارتی محدود نمانده است. براساس اطلاعیه این بانک که در رسانه‌ها منتشر شد، ۱۱ رئیس شعبه بانکی به دلیل انجام ندادن تکالیف قانونی و فراهم شدن زمینه سوءاستفاده برخی افراد در بازار ارز و طلا از سمت خود عزل شدند.

بانک مرکزی همچنین اعلام کرد اقدامات اصلاحی و انضباطی برای بانک‌های مربوطه در دستور کار قرار گرفته است. این اقدام در کنار هشدارهای آذرگون درباره مسئولیت مدیران بانکی، نشان می‌دهد نظارت بانک مرکزی علاوه بر اشخاص استفاده‌کننده از حساب‌ها، عملکرد مسئولان و کارکنان شبکه بانکی را نیز دربرمی‌گیرد.

نظارت بانکی؛ از مقابله با پولشویی تا کنترل نقدینگی

مجموع اظهارات و اقدامات اخیر بانک مرکزی نشان می‌دهد سیاست نظارتی این نهاد دو محور مرتبط را دنبال می‌کند: نخست، جلوگیری از استفاده غیرقانونی از حساب‌ها و زیرساخت‌های بانکی و دوم، اطمینان از اجرای صحیح مقررات در تخصیص و گردش منابع بانکی. تأکید همتی بر کنترل نقدینگی و هدایت منابع به سمت تولید و نیازهای واقعی خانوارها نیز در همین چارچوب قابل بررسی است.

بانک‌ها بخش مهمی از زیرساخت گردش پول در اقتصاد را در اختیار دارند و هرگونه ضعف در نظارت بر عملکرد آنها می‌تواند هم امکان سوءاستفاده از حساب‌ها را افزایش دهد و هم مسیر اجرای سیاست‌های پولی و ارزی را دشوار کند. از این منظر، مقابله با پولشویی فقط یک تکلیف حقوقی و نظارتی نیست، بلکه با سلامت شبکه بانکی و کیفیت مدیریت منابع مالی کشور نیز ارتباط دارد.

با این حال، اثربخشی این سیاست به نحوه اجرای آن در عمل وابسته است. واحدهای مبارزه با پولشویی باید از اختیارات و ابزارهای لازم برای شناسایی تراکنش‌های مشکوک برخوردار باشند و مدیران ارشد بانک‌ها نیز مسئولیت نظارت بر عملکرد شعب را بپذیرند. همچنین شناسایی حساب‌های مشکوک باید با بررسی دقیق و طی مراحل قانونی همراه باشد تا میان حساب‌های واقعاً مورد سوءاستفاده و فعالیت‌های عادی بانکی تمایز گذاشته شود.



حمید تهرانفر، معاون اسبق نظارت بانک مرکزی:

در شرایط فعلی، ارز و طلا از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بانک مرکزی برای مدیریت این بازارها محدودیت‌ها و مقرراتی در نظر گرفته است. جابه‌جایی مبالغ از طریق شبکه بانکی با هدف خرید ارز در نرخ‌های بالاتر یا حجم‌هایی که سیاست‌های بانک مرکزی را تحت تأثیر قرار دهد، به معنای استفاده از زیرساخت بانکی برای بی‌اثر کردن سیاست‌های اقتصادی کشور است.

بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز و طلا، حتی برای برخی بانک‌ها و صرافی‌های فعال در این حوزه محدودیت‌هایی اعمال کرده است. بنابراین، دور زدن این محدودیت‌ها از طریق نقل‌وانتقالات مالی در شبکه بانکی، موضوعی نیست که بانک‌ها بتوانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. بخشی از مسئله به صادرکنندگانی مربوط می‌شود که ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازنمی‌گردانند یا تمام منابع ارزی حاصل از صادرات را عرضه نمی‌کنند.

بدهی ۱۰۰ همتی دولت به بانک‌ها در صف تسویه

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، آیین‌نامه تسویه بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از طریق انتشار اوراق تسویه خزانه را به وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی ابلاغ کرد.

این آیین‌نامه در جلسه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۵ هیئت وزیران و در چارچوب قانون بودجه سال جاری به تصویب رسیده است. براساس این مصوبه، وزارت اقتصاد اجازه دارد تا سقف ۱۰۰ همت از بدهی‌های قطعی و حسابرسی‌شده دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها را از طریق انتشار اوراق تسویه خزانه تعیین تکلیف کند.

بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی چگونه تسویه می‌شود؟

طبق آیین‌نامه جدید، بانک‌هایی که از دولت و شرکت‌های دولتی طلبکارند و هم‌زمان به بانک مرکزی بدهی دارند، می‌توانند بخشی از بدهی‌های خود را از طریق اوراق تسویه خزانه پرداخت کنند. این سازوکار به دولت اجازه می‌دهد بدهی خود به بانک‌ها را با بدهی آن‌ها به بانک مرکزی تهاتر کند. به این ترتیب، بانک از دولت طلبکار نخواهد بود و بدهی آن به بانک مرکزی نیز به میزان مبلغ تسویه‌شده کاهش می‌یابد. در مقابل، دولت مستقیماً بدهکار بانک مرکزی می‌شود. البته این امکان تنها شامل بدهی‌هایی است که قطعی و حسابرسی‌شده باشند. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز باید مربوط به اصل و سود خطوط اعتباری و سپرده‌گذاری‌های ایجادشده تا پایان سال ۱۴۰۴ باشد.

همچنین طبق مصوبه، اوراق تسویه خزانه فاقد سود و هرگونه سازوکار حفظ قدرت خرید هستند. همچنین مطالبات ناشی از تسهیلات پرداخت‌شده از محل منابع حساب ذخیره ارزی، صندوق توسعه ملی و وجوه اداره‌شده مشمول این تسویه نخواهند بود.

مهلت دو هفته‌ای برای اعلام بدهی بانک‌ها

بانک مرکزی موظف شده است حداکثر ظرف دو هفته پس از ابلاغ آیین‌نامه، میزان بدهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مشمول را به وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه اعلام کند تا سهم هر بانک از اوراق تسویه مشخص شود.

چنانچه سهمیه‌های تعیین‌شده تا پایان دی‌ماه مورد استفاده قرار نگیرد، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه می‌توانند درخواست بازبینی و اعلام سهمیه‌های جدید را ارائه کنند.

همچنین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که به‌صورت مستقیم یا از طریق نهادهای وابسته به‌عنوان معامله‌گر اولیه اوراق دولت تعیین شده‌اند یا می‌شوند، در اولویت صدور تخصیص قرار خواهند گرفت. براساس ماده ۶ این آیین‌نامه، خزانه‌داری کل کشور نیز موظف است گزارش عملکرد انتشار اوراق تسویه را هر ماه به سازمان برنامه و بودجه ارسال کند. گفتنی است، رقم ۱۰۰ همت سقف مجاز تسویه بدهی‌ها در این مصوبه است و میزان نهایی بدهی‌های تسویه‌شده پس از اجرای آن مشخص خواهد شد.

بدهی ۱۰۰ همتی دولت به بانک‌ها در صف تسویه



معاون اول رئیس‌جمهور، مصوبه هیئت وزیران درباره تسویه بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از طریق صدور اوراق تسویه را ابلاغ کرد. بر اساس این مصوبه که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و در اجرای قانون بودجه ۱۴۰۵ به تصویب رسیده، وزارت اقتصاد مجاز است تا سقف یک میلیون میلیارد ریال (۱۰۰ همت) از بدهی‌های قطعی و حسابرسی‌شده دولت و شرکت‌های دولتی به شبکه بانکی را با صدور اوراق تسویه تعیین تکلیف کند. مطابق سازوکار این آیین‌نامه، بانک‌هایی که بابت اصل و سود خطوط اعتباری و سپرده‌گذاری‌های ایجادشده تا پایان سال ۱۴۰۴ به بانک مرکزی بدهکارند، می‌توانند مطالبات خود از دولت و شرکت‌های دولتی را از طریق تسویه خزانه بانکی نوع دوم با بدهی‌شان به بانک مرکزی تهاتر کنند. در این فرآیند، مبلغ اوراق صادرشده به‌عنوان بدهی دولت به بانک مرکزی منظور خواهد شد.

راه‌اندازی صندوق مولدسازی دارایی‌های دولت



علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی در جلسه هیات عالی مولدسازی دارایی های دولت، از راه‌اندازی صندوق مولدسازی دارایی‌های دولت خبر داد و اعلام کرد که برای ارزیابی دقیق و اجرای عملی این طرح، فرآیند قرار دادن دارایی‌ها در این صندوق ابتدا از خود مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی آغاز شده است. وی با اشاره به ابزارهای قانونی حاصل از مصوبه جدید تأکید کرد: بر اساس این سازوکار مالی، یونیت‌های صندوق به دستگاه‌های اجرایی واگذار می‌شود. دستگاه‌های اجرایی پس از دریافت یونیت‌ها می‌توانند آنها را جهت تأمین منابع مالی و نقدینگی به فروش برسانند یا مستقیما به پیمانکاران واگذار کنند. مدنی‌زاده هدف از آغاز این پروژه از دارایی‌های خود وزارت اقتصاد را تمرین عملی و طی کردن تمامی مراحل اجرایی (از صفر تا صد) عنوان کرد.

مصرف آب کم شد



مسعود علویان صدر معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی شرکت مهندسی آبفای کشور گفت: بر اساس آمارهای ثبت‌شده، مجموع حجم مصرف آب از حدود ۶ میلیارد و ۲۲۳ میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۳ به حدود ۶ میلیارد و ۲۴ میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۴ رسیده است که بیانگر کاهش حدود ۱۹۹ میلیون مترمکعبی مصرف آب، معادل ۳.۲ درصد در مقایسه با سال قبل است. در این میان، تهران با کاهش حدود ۱۳۴ میلیون مترمکعبی معادل بیش از ۱۱ درصد، بیش‌ترین میزان کاهش حجم مصرف را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین مصرف آب در استان آذربایجان شرقی با کاهش حدود ۱.۳ درصدی، روند نزولی داشته است. در میان شهرهای دیگر نیز، شیراز با ثبت کاهش حدود ۶ میلیون مترمکعبی، معادل ۴ درصد، در حجم مصرف آب، عملکرد کاهشی داشته است.

واکاوی سهم واقعی درآمدهای نفتی در تأمین منابع مالی دولت

نفت کجای بودجه ایستاده است؟

تحلیل

درآمد نفت همچنان یکی از منابع تأمین مالی دولت است، اما سهم مستقیم آن در بودجه عمومی تنها بخشی از وابستگی واقعی اقتصاد به طلای سیاه را نشان می‌دهد. بررسی منابع گسترده‌تر مالی دولت، از سهم حدود ۵ درصدی درآمد مستقیم صادرات نفت تا برآورد ۳۵ درصدی وابستگی به منابع نفتی، ضرورت بازنگری در شیوه محاسبه و کاهش اتکای بودجه به درآمدهای ناپایدار را برجسته می‌کند.



در شرایط تشدید محدودیت‌های صادرات نفت و نوسانات بازار جهانی، کاهش وابستگی بودجه سال ۱۴۰۵ به درآمدهای نفتی به یکی از چالش‌های مهم اقتصاد ایران تبدیل شده است؛ چالشی که ضرورت اصلاح نظام مالیاتی، مدیریت هزینه‌های دولت و توسعه منابع درآمدی پایدار را بیش از گذشته برجسته می‌کند. افزایش قیمت جهانی نفت، ظرفیت درآمدزایی صادرات نفت ایران را افزایش داده و این در حالی است که بهره‌گیری از این فرصت در بودجه ۱۴۰۶ به حفظ بازارهای صادراتی، تقویت روابط با مشتریان راهبردی، تنوع‌بخشی به روش‌های فروش، کاهش هزینه‌های صادرات و بهبود سازکار وصول درآمدها وابسته است. به همین علت شرایط فعلی را می توان فرصتی برای جایگزینی مالیات به طلای سیاه دانست. در همین باره؛ **روح الله کهن هوش نژاد،کارشناس انرژی و استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران،** مسئله بودجه کشور در شرایط محدودیت صادرات نفت و تشدید تحریم‌ها را بررسی کرد و گفت: تنظیم بودجه باید بر اساس درآمدهای واقعی و قابل وصول باشد، نه پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه فروش نفت. مشروح گفت‌وگو با کهن‌هوش‌نژاد را در ادامه می‌خوانید:

با وجود تحریم‌ها و محدودیت صادرات نفت، بودجه کشور چگونه باید اداره شود؟

مسئله بودجه کشور در شرایط محدودیت صادرات نفت، تحریم و جنگ صرفاً این نیست که چه میزان نفت می‌توان فروخت یا چه مقدار درآمد ارزی به دست آورد؛ مسئله اصلی، چگونگی اداره اقتصاد کشور بدون وابستگی بیش از اندازه به درآمدی است که هم تحت تأثیر تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری و جنگی قرار دارد و هم از متاثر از نوسانات قیمت جهانی نفت می شود.

در چنین شرایطی، پرسش اساسی این است که سهم نفت در بودجه سال جاری باید چقدر باشد و کدام منابع می‌توانند به‌تدریج جایگزین درآمد نفتی شوند؛ بدون آنکه اقتصاد با کسری بودجه مزمن، تورم فزاینده و اختلال در تأمین مالی خدمات عمومی روبه‌رو شود. بودجه باید بر پایه درآمدهای قابل تحقق و سناریوهای محتاطانه تنظیم شود، نه خوش‌بینی به فروش نفت. جایگزینی درآمد نفت نیز نیازمند ترکیبی از اصلاح نظام مالیاتی، کاهش هزینه‌های کم‌بازده، توسعه صادرات غیرنفتی و بهبود محیط کسب‌وکار است؛ بدون تحمیل فشار بی‌ضابطه به تولید و تأمین هزینه‌های جاری از محل فروش دارایی‌ها!این رویکرد، اگرچه در کوتاه‌مدت مستلزم انضباط مالی و اولویت‌بندی هزینه‌هاست، اما در میان‌مدت می‌تواند زمینه استقلال بیشتر بودجه از شوک‌های خارجی، ثبات اقتصادی و افزایش قدرت برنامه‌ریزی دولت را فراهم کند.

اگر سهم مستقیم نفت در بودجه حدود ۵ درصد است، وابستگی ۳۵ درصدی از کجا می‌آید؟

برای سنجش میزان وابستگی مالی دولت ایران به نفت، باید میان سهم مستقیم درآمد صادرات نفت در منابع عمومی دولت و سهم گسترده‌تر نفت در کل منابع مالی دولت تفاوت قائل شد.

شاخص نخست، درآمدی را دربرمی‌گیرد که از محل صادرات نفت خام و میعانات گازی به‌طور مستقیم در بودجه عمومی ثبت می‌شود. اما شاخص دوم، علاوه بر این درآمد، منابع نفتی مرتبط با صندوق توسعه ملی، طرح هدفمندی یارانه‌ها، صادرات فرآورده‌های نفتی، فروش داخلی گاز و فرآورده‌ها و اقلام نفتی مندرج در جداول جمعی-خرجی و خارج از سقف متعارف بودجه عمومی را نیز بررسی می‌کند.

اهمیت این تمایز در آن است که پایین بودن سهم نفت در ردیف‌های اصلی بودجه عمومی، لزوماً به معنای کاهش وابستگی مالی دولت به نفت نیست؛ زیرا بخشی از منابع حاصل از نفت ممکن است از مسیرهای دیگری به تأمین هزینه‌های عمومی، یارانه‌ها یا طرح‌های دولتی اختصاص یابد. بر این اساس، سهم مستقیم درآمد صادرات نفت در منابع عمومی دولت حدود ۵ درصد است؛ اما با احتساب منابع صندوق توسعه ملی، هدفمندی یارانه‌ها و اقلام خارج از سقف بودجه عمومی، سهم گسترده‌تر نفت در کل منابع مالی دولت به حدود ۳۵ درصد می‌رسد. البته برای ارزیابی دقیق این نسبت‌ها، باید اقلام محاسباتی و منابع آماری مشخص باشند و از احتساب مضاعف منابع جلوگیری شود. نکته مهم‌تر آن است که سهم نفت باید بر اساس درآمد خالص و قابل وصول دولت محاسبه شود. فروش یک محموله نفتی لزوماً به معنای دسترسی فوری دولت به کل ارزش ارزی آن نیست. هزینه‌های فروش و حمل، تخفیف‌های احتمالی، دشواری نقل‌وانتقال پول، تأخیر در وصول مطالبات و سهم قانونی سایر نهادها بر منابعی که نهایتاً در اختیار دولت قرار می‌گیرد، اثر می‌گذارند. به همین دلیل، برای تدوین بودجه باید درآمد قابل وصول را مبنا قرار داد، نه صرفاً ارزش اسمی صادرات نفت.

سهم نفت در بودجه باید به چند درصد محدود شود؟

درآمد مستقیم صادرات نفت، در سنجش منابع عمومی، در سطحی محدود و متناسب با درآمد قابل وصول نگه داشته شود؛ اما برای آن یک سقف ثابت و تغییرناپذیر، مستقل از شرایط اقتصاد ایران، تعیین نشود. در شرایط کنونی، هدف مناسب آن است که سهم مستقیم نفت در منابع عمومی، در افق میان‌مدت به حدود ۵ تا ۱۰ درصد محدود شود؛ مشروط بر اینکه درآمدهای پایدار جایگزین، برای تأمین هزینه‌های ضروری دولت کفایت کنند.

این دامنه یک پیشنهاد سیاستی است، نه یک حکم قانونی یا برآورد قطعی از ظرفیت مالی کشور. نسبت دقیق باید با توجه به وضعیت صادرات، قیمت فروش واقعی، هزینه‌های انتقال و وصول ارز، تعهدات دولت و سطح درآمدهای غیرنفتی تعیین شود. نکته مهم آن است که کاهش سهم نفت نباید صرفاً یک هدف آماری باشد. اگر سهم نفت کاهش پیدا کند، اما کسری بودجه از مسیر بدهی‌های ناپایدار، منابع تورم‌زا یا تعویق پرداخت‌های دولت تأمین شود، مسئله اصلی همچنان پابرجا خواهد ماند.



مسئله بودجه کشور در شرایط محدودیت صادرات نفت، تحریم و جنگ صرفاً این نیست که چه میزان نفت می‌توان فروخت یا چه مقدار درآمد ارزی به دست آورد؛ مسئله اصلی، چگونگی اداره اقتصاد کشور بدون وابستگی بیش از اندازه به درآمدی است که هم تحت تأثیر تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری و جنگی قرار دارد و هم از متاثر از نوسانات قیمت جهانی نفت می شود.

کاهش آسیب‌پذیری بودجه در برابر شوک‌های نفتی، مستلزم بودجه‌ریزی بر پایه درآمدهای قابل تحقق و پرهیز از اتکا به سناریوهای خوش‌بینانه فروش نفت است. تحقق این هدف به اصلاح هم‌زمان سمت درآمد و هزینه، افزایش درآمدهای پایدار و مهار مخارج کم‌بازده نیاز دارد. در نهایت، کاهش وابستگی به منابع ناپایدار باید به یک قاعده پایدار در مدیریت مالی دولت تبدیل شود.

اگر صادرات نفت محدود شود، بودجه باید بر اساس چه سناریوهایی بسته شود؟

برای کاهش آسیب‌پذیری بودجه در برابر شوک‌های نفتی، باید سه سناریوی اصلی در نظر گرفته شود:

سناریوی محتاطانه: صادرات و وصول درآمد نفتی محدود می‌ماند و دولت تنها بر منابعی حساب می‌کند که با احتمال بالا قابل وصول‌اند. **سناریوی میانه:** بخشی از ظرفیت صادراتی فعال است، اما محدودیت‌های تجاری، مالی و حمل‌ونقل همچنان هزینه‌زا هستند. **سناریوی خوش‌بینانه:** صادرات و دسترسی به منابع ارزی بهبود می‌یابد و درآمدی بیش از برآورد پایه حاصل می‌شود.

بودجه هزینه‌های ضروری کشور باید بر اساس سناریوی محتاطانه یا یک برآورد پایه نزدیک به آن تنظیم شود. اگر درآمد نفتی بیش از انتظار تحقق یافت، منابع اضافی باید طبق قواعدی از پیش تعیین‌شده به ذخایر تثبیت بودجه، بازپرداخت بدهی‌های دولت و سرمایه‌گذاری‌های مولد اختصاص یابد؛ نه اینکه بلافاصله به ایجاد هزینه‌های جاری جدید منجر شود. چنین رویکردی به دولت امکان می‌دهد بدون وابستگی به پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه، حقوق کارکنان، مستمری بازنشستگان، خدمات درمانی، آموزش و نگهداری زیرساخت‌ها را با ثبات بیشتری تأمین کند.

آیا مالیات می‌تواند جایگزین درآمد نفتی شود، بدون آنکه به تولید آسیب بزند؟

مالیات مهم‌ترین جایگزین پایدار درآمد نفتی است؛ اما این موضوع به معنای افزایش یکسان فشار مالیاتی بر همه فعالان اقتصادی نیست.اگر دولت برای جبران کسری نفت، مالیات تولیدکننده‌ای را که با تورم، کمبود سرمایه در گردش، نوسان ارز و افت تقاضا مواجه است افزایش دهد، ممکن است با کاهش سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید روبه‌رو شود.

اتفاقی که در نهایت خود درآمد مالیاتی را نیز تضعیف می‌کند.

راه درست، گسترش پایه مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی است. در این مسیر، چند اقدام اهمیت بیشتری دارند: اتصال مؤثر پایگاه‌های اطلاعاتی مالیاتی، بانکی، گمرکی و مالکیتی در چارچوب قانون و با رعایت محرمانگی اطلاعات، شناسایی فعالیت‌های اقتصادی پردرآمدی که به دلایل مختلف کمتر از ظرفیت قانونی خود مالیات می‌پردازند، بازنگری در معافیت‌ها و نرخ‌های ترجیحی فاقد توجیه روشن، بدون آسیب‌زدن به معافیت‌های ضروری و حمایت‌های هدفمند از تولید، بهبود وصول مالیات از فعالیت‌های سوداگرانه و درآمدهای غیرمولد، با طراحی دقیق و جلوگیری از مالیات‌ستانی مضاعف، کاهش هزینه تمکین مالیاتی، ساده‌سازی مقررات و افزایش پیش‌بینی‌پذیری برای بنگاه‌ها و رشد اسمی درآمد مالیاتی نباید با بهبود واقعی نظام مالیاتی اشتباه گرفته شود. در اقتصادی که قیمت‌ها به‌سرعت افزایش می‌یابند، افزایش ریالی وصول مالیات ممکن است بدون افزایش متناسب در تولید واقعی اتفاق بیفتد.

بنابراین، باید هم‌زمان نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، توزیع بار مالیاتی میان بخش‌ها، میزان فرار مالیاتی و اثر مالیات بر سرمایه‌گذاری بررسی شود.

آیا اصلاح نظام انرژی می‌تواند به کاهش وابستگی بودجه به نفت کمک کند؟

یکی از مهم‌ترین منابع بالقوه اصلاح مالیه عمومی، کاهش اتلاف در نظام تولید، توزیع و مصرف انرژی است؛ ایران از منابع بزرگ نفت و گاز برخوردار است، اما پایین بودن قیمت نسبی برخی حامل‌های انرژی، بهره‌وری پایین، قاچاق، فرسودگی تجهیزات و مصرف غیرکارآمد، بخشی از ارزش اقتصادی این منابع را از بین می‌برد.

با این حال، نباید صرفه‌جویی در مصرف انرژی را با درآمد نقدی دولت یکسان دانست. اگر مصرف بنزین کاهش یابد، لزوماً کل ارزش انرژی صرفه‌جویی‌شده به خزانه واریز نمی‌شود. میزان منفعت مالی دولت به ساختار قیمت‌گذاری، هزینه تولید و واردات، درآمد فروش، نحوه توزیع یارانه‌ها و هزینه‌های اجرایی اصلاح بستگی دارد.

از این رو، اصلاح انرژی باید به‌عنوان برنامه‌ای برای کاهش هزینه‌های پنهان و آشکار، آزادسازی ظرفیت صادراتی و افزایش بهره‌وری طراحی شود، نه صرفاً وسیله‌ای برای افزایش قیمت‌ها در نظر گرفته شود. این اصلاح باید تدریجی، قابل پیش‌بینی و همراه با حمایت هدفمند از خانوارهای کم‌درآمد باشد. توسعه حمل‌ونقل عمومی، بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌ها و صنایع، کاهش تلفات شبکه برق و گاز و بهبود بازده نیروگاه‌ها می‌تواند از افزایش ناگهانی قیمت‌ها مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر باشد.

در کنار آن، مبارزه با قاچاق سوخت و اصلاح زنجیره توزیع باید با ابزارهای اطلاعاتی و نظارت مؤثر دنبال شود. اگر اصلاحات به افزایش هزینه تولید و حمل‌ونقل منجر شود، بدون آنکه اتلاف و ناکارآمدی کاهش یابد، ممکن است فشار تورمی ایجاد کند و بخشی از منافع مالی آن را از بین ببرد.

آیا فروش دارایی‌های دولت راهکاری پایدار برای جبران کمبود درآمد نفتی است؟

دولت مالک املاک، زمین‌ها، ساختمان‌ها، سهام شرکت‌ها و دارایی‌هایی است که بخشی از آنها کم‌استفاده یا فاقد کارکرد متناسب با اهداف عمومی هستند. شناسایی و مدیریت حرفه‌ای این دارایی‌ها می‌تواند منابعی برای ادامه خبر را در لینک بخوانید

باجه بانک‌ها

شرط رشد دوباره بورس



شاهین احمدی، کارشناس بازار سرمایه، با اشاره به اینکه شاخص کل بورس پس از رسیدن به سقف ۸.۵ میلیون واحدی شروع به اصلاح کرده است، اظهار کرد: با اینکه شاخص کل پس از ثبت این رکورد وارد مرحله اصلاح شده است، اما از منظر بنیادی همچنان می‌توان برای بازار سهام ظرفیت رشد قائل شد.

وی با بیان اینکه شاخص کل در مقطعی در محدوده ۴ میلیون واحد قرار داشت و از آن زمان تاکنون رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده است، افزود: در این مدت، سطح قیمت به درآمد (P/E) بازار نیز افزایش یافته و بیش از ۱۵۰ درصد رشد کرده است. بنابراین، انتظار تداوم رشد بازار با همان سرعت گذشته واقع‌بینانه نیست و برای ادامه روند صعودی، باید عوامل بنیادی و اخبار مؤثر بر عملکرد شرکت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر اهمیت سیاست‌های اقتصادی دولت در تعیین مسیر آتی بورس تصریح کرد: در حال حاضر، شرایطی فراهم شده است که شرکت‌ها از امکان بیشتری برای قیمت‌گذاری محصولات خود برخوردار باشند و این موضوع به بهبود حاشیه سود آنها کمک کرده است. از سوی دیگر، دولت تلاش کرده است بخشی از فشار ناشی از افزایش قیمت‌ها را از طریق پرداخت یارانه، تخصیص سوبسید و حمایت از دهک‌های مختلف درآمدی جبران کند.

احمدی ادامه داد: اگر این رویکرد ادامه پیدا کند و دولت از مداخلات گسترده در فعالیت شرکت‌های بزرگ و محدود کردن سودآوری آنها پرهیز کند، بازار سهام همچنان ظرفیت رشد خواهد داشت. در چنین شرایطی، رشد بورس می‌تواند متناسب با ظرفیت تولید شرکت‌ها، افزایش فروش و بهبود عملکرد عملیاتی آنها ادامه پیدا کند.

وی در ادامه با اشاره به آخرین گزارش‌های منتشرشده درباره عملکرد شرکت‌های بورسی گفت: براساس گزارش‌های ارائه‌شده، درآمد شرکت‌های بورسی حدود ۱۰۶ درصد رشد داشته است. همچنین، ارزش دلاری بازار سهام به کمتر از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده و گزارش‌های شش‌ماهه شرکت‌ها نیز عمدتاً حاوی نکات مثبتی بوده‌اند.

رشد فروش شرکت‌ها و بهبود عملکرد آنها می‌تواند از عوامل حمایت‌کننده بازار سهام باشد.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به ارتباط نرخ ارز و ارزش دلاری بازار سهام اظهار کرد: بخشی از شرکت‌های بورسی درآمدهای دلاری دارند و افزایش نرخ ارز می‌تواند از طریق رشد درآمد ریالی آنها بر شاخص کل اثر بگذارد. از این منظر، پایین بودن ارزش دلاری بازار در کنار افزایش نرخ ارز، می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر رشد شاخص کل باشد.

احمدی در عین حال تأکید کرد که ثبات نرخ ارز نیز می‌تواند از مسیر دیگری به نفع بازار سهام عمل کند و گفت: اگر نرخ دلار به ثبات برسد، شرکت‌ها فرصت بیشتری برای مدیریت هزینه‌ها و بهینه‌سازی فرآیندهای عملیاتی خود خواهند داشت. در چنین شرایطی، حتی بدون افزایش مستمر نرخ ارز نیز امکان بهبود عملکرد شرکت‌ها و تداوم رشد بازار فراهم خواهد بود.

وی خاطرنشان کرد: ظرفیت رشد بازار سهام همچنان وجود دارد، اما تحقق این ظرفیت به مجموعه‌ای از عوامل، از جمله تداوم رشد فروش شرکت‌ها، حفظ حاشیه سود، بهبود عملکرد بنیادی و ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی بستگی دارد.

احمدی در پایان تأکید کرد: به شرط آنکه دولت با مصوبات اضطراری و تصمیمات ناگهانی، مداخلات سنگینی در قیمت‌گذاری محصولات شرکت‌ها اعمال نکند و اجازه دهد بنگاه‌های بزرگ از ظرفیت‌های تولیدی و درآمدی خود استفاده کنند، بازار سرمایه همچنان می‌تواند مسیر رشد خود را ادامه دهد.

جدال نرخ بهره و بانک‌های مرکزی

جدال نرخ بهره و بانک‌های مرکزی



جهان

به گزارش خبرنگار بین‌الملل تازه‌های اقتصاد، بازارهای جهانی فلزات گرانبها هفته‌ای پر از کشمکش و داده‌های متقاطع کلان اقتصادی را پشت سر گذاشته‌اند. با این حال، رسیدن به روزهای پایانی هفته و تعطیلی بازارهای رسمی معاملاتی، موجی از ثبات و احتیاط را بر تالارهای اصلی حاکم کرد. در این میان، تثبیت بهای طلا در محدوده ۳,۸۷۵.۳۶ دلار بازتاب‌دهنده تعادل موقت میان نیروهای افزایشی و کاهشی است که این فلز گرانبها را از هر سوی تحت فشار قرار داده‌اند. به همین بهانه، در این گزارش ابعاد مختلف ثبات قیمتی فلز گرانبها را در قالب چهار بخش تحلیلی بررسی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

سایه سنگین سیاست‌های فدرال رزرو بر سر فلز زرد

سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی ایالات متحده (فدرال رزرو) و نوسانات شاخص دلار و اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا، همواره از محرک‌های اصلی تعیین‌کننده مسیر قیمت طلا بوده‌اند. از آنجا که طلا یک دارایی بدون بهره محسوب می‌شود، افزایش نرخ بهره در ایالات متحده هزینه فرصت نگهداری آن را بالا می‌برد و باعث می‌شود سرمایه‌گذاران به سمت بازارهای با درآمد ثابت مانند اوراق قرضه سوق پیدا کنند.

داده‌های تورمی اخیر و انتظارات پیرامون تداوم نرخ‌های بهره بالا، سرمایه‌گذاران را در اتخاذ موقعیت‌های جدید محتاط‌تر کرده است. این رویکرد انقباضی به عنوان یک عامل بازدارنده جدی عمل می‌کند که مانع از جهش‌های قیمتی بزرگ در فلز زرد می‌شود، چرا که بازارها پیوسته نگران سیگنال‌های «هاوکیش» یا سخت‌گیرانه مقامات پولی هستند.

تقاضای بانک‌های مرکزی و نقش سپرهای حفاظتی

اگرچه فشارهای ناشی از تقویت دلار و اوراق قرضه تمایل به کاهش قیمت‌ها دارد، اما خرید مستمر طلا توسط بانک‌های مرکزی جهان و تلاش برای تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی، کفی محکم زیر پای فلز زرد ایجاد کرده است. بسیاری از کشورها در حال کاهش وابستگی خود به دلار آمریکا هستند و با خرید مداوم طلا، سعی دارند نوسانات ناشی از سیستم مالی جهانی را مدیریت کنند که این امر حمایت ساختاری پایداری را برای قیمت طلا ایجاد کرده است.

علاوه بر این، تحلیلگران بازار بر این باورند که ریسک‌های ژئوپلیتیک مداوم، تقاضای «پناهگاه امن» را زنده نگه داشته است. در شرایطی که تنش‌های منطقه‌ای و نااطمینانی‌های سیاسی در مناطق کلیدی جهان همچنان بالاست، طلا به‌عنوان ابزاری برای پوشش ریسک (Hedging) در سبد دارایی‌های سرمایه‌گذاران بزرگ نهادی باقی می‌ماند و مانع از سقوط قیمت به سطوح پایین‌تر می‌شود.

تعطیلی آخر هفته و کاهش حجم معاملات جهانی

نباید فراموش کرد که روزهای شنبه به دلیل تعطیلی رسمی بازارهای بین‌المللی لندن و نیویورک، حجم نقدینگی و فعالیت سوداگران به حداقل می‌رسد. در بازارهای بین‌المللی، بخش عمده معاملات طلا در روزهای کاری دوشنبه تا جمعه انجام می‌شود و روزهای تعطیل معمولا شاهد فعالیت‌های معاملاتی خارج از بورس (OTC) با حجم بسیار محدود هستیم که در تعیین روند کلی قیمت تاثیرگذار نیستند.

از این رو این وقفه دوره‌ای معمولا قیمت‌ها را در محدوده‌های بسته و خنثی متوقف می‌کند. فعالان بازار و معامله‌گران نهادی ترجیح می‌دهند در روزهای تعطیل با توجه به عدم دسترسی به نقدینگی عمیق، موقعیت معاملاتی جدیدی باز نکنند و بیشتر به تحلیل اخبار هفته‌ای که گذشت بپردازند. به نوشته رویترز همین احتیاط باعث می‌شود که قیمت‌ها تا بازگشایی تالارهای اصلی در روز دوشنبه، تغییرات محسوسی را ثبت نکنند.

چشم‌انداز مبهم بازار در آستانه انتشار داده‌های جدید

سرمایه‌گذاران خرد و نهادی اکنون چشم به داده‌های کلیدی اشتغال و تورم ایالات متحده در هفته پیش رو دوخته‌اند. این گزارش‌های اقتصادی نقش «نقشه راه» را برای فدرال رزرو ایفا می‌کنند و هر تغییری در اعداد مربوط به نرخ بیکاری یا تورم مصرف‌کننده، می‌تواند انتظارات بازار درباره زمان‌بندی تغییر نرخ بهره را به‌طور کامل دگرگون کند.

هرگونه سیگنال تازه از سوی مقامات پولی آمریکا می‌تواند تعادل شکننده فعلی را برهم بزند؛ بنابراین ثبات کنونی در سطح ۳,۸۷۵ دلار بیشتر به آرامش پیش از طوفان شباهت دارد تا یک روند پایدار. با توجه به نوسانات احتمالی در هفته آینده، معامله‌گران در حال آماده‌سازی استراتژی‌های خود هستند تا به محض بازگشایی بازارها، به نوسانات جدید قیمتی واکنش نشان دهند.

در مجموع، ثبات بهای طلا در سطح ۳,۸۷۵.۳۶ دلار در روز شنبه، بیش از آنکه نشانه‌ای از تغییر ساختاری در روندهای بلندمدت بازار باشد، بازتابی از توقف موقت معاملات در روزهای پایانی هفته است. تلاقیِ فشار ناشی از نرخ بهره و تقویت دلار با حمایت مستمر ژئوپلیتیک و خریدهای بانک‌های مرکزی، بازار طلا را در نقطه‌ای حساس قرار داده است. با گشایش مجدد بازارها در روز دوشنبه و با توجه به اهمیت داده‌های اقتصادی آتی، انتظار می‌رود که فلز زرد از این فاز رکودی خارج شده و مسیر قیمتی جدیدی را بر اساس سیگنال‌های کلان اقتصادی انتخاب کند.

مدیرعامل بایننس خبر داد:

۹۰ درصد دارایی‌های سرقت‌شده کاربران بازیابی شد

بایننس اعلام کرد تاکنون ۹۰ درصد از دارایی‌های دیجیتال به ارزش ۶.۳ میلیارد دلار را که در جریان یک حمله سایبری بی‌سابقه از کاربران این صرافی به سرقت رفته بود، تأمین و جایگزین کرده است. این شرکت متعهد شده است زیان باقی‌مانده را نیز به‌طور کامل جبران کند.

به گزارش خبرنگار تازه های اقتصاد، ریچارد تنگ، مدیرعامل بایننس، اعلام کرد این صرافی تاکنون ۹۰ درصد از دارایی‌های سرقت‌شده کاربران را جایگزین کرده و برای جبران کامل خسارت‌های ناشی از این حمله سایبری نیز برنامه‌ریزی کرده است.

بر اساس اعلام بایننس، مسئولیت جبران خسارت دارایی‌های سرقت‌شده مستقیماً بر عهده این شرکت است. ۱۰ درصد باقی‌مانده از دارایی‌ها به توکن‌هایی اختصاص دارد که نقدشوندگی پایین‌تری دارند و تأمین مجدد آن‌ها ممکن است به زمان بیشتری نیاز داشته باشد.

بایننس همچنین در اطلاعیه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که خدمات برداشت دارایی‌ها، با وجود توقف موقت، طبق برنامه قرار است از امروز (یکشنبه، اول نوامبر ۲۰۲۶ دهم آبان ۱۴۰۵، مجدداً فعال شود.این شرکت در بیانیه خود تأکید کرده است که تعهدش برای جبران کامل آثار مالی این حادثه تغییری نکرده و این روند از طریق اقدامات عملی، گزارش‌دهی شفاف و ارائه پیشرفت‌های قابل‌اندازه‌گیری دنبال خواهد شد.

ازسرگیری خدمات برداشت کاربران، گام بعدی بایننس در مدیریت پیامدهای این حمله سایبری عنوان شده است. این صرافی اعلام کرده پس از نهایی‌شدن جزئیات، اطلاعات تکمیلی درباره بازگشایی برداشت‌ها را منتشر خواهد کرد.

توافق یک میلیارد دلاری بانک جهانی با مصر

دولت مصر اعلام کرد که گروه بانک جهانی توافق‌نامه‌ای به ارزش یک میلیارد دلار با دولت این کشور امضا خواهد کرد. هدف از این توافق، تأمین مالی مرحله دوم برنامه سیاست‌های توسعه‌ای برای حمایت از بودجه عمومی دولت مصر است.

براساس گزارش الجزیره، بانک جهانی در ماه مه گذشته با تأمین مالی یک میلیارد دلاری مرحله دوم این برنامه موافقت کرده بود. این برنامه با هدف حمایت از اصلاحات اقتصادی، تقویت مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، بهبود مدیریت امور مالی عمومی و بدهی‌های دولتی و همچنین پشتیبانی از گذار به اقتصادی پایدارتر اجرا می‌شود. بانک جهانی اعلام کرد که این تأمین مالی شامل ضمانت اعتباری ۲۰۰ میلیون دلاری از سوی بریتانیا نیز می‌شود. این توافق در چارچوب مجموعه‌ای از سه عملیات تأمین مالی با شرایط تسهیل‌شده صورت می‌گیرد که هدف آن‌ها افزایش توان اقتصاد مصر برای مقابله با شوک‌های اقتصادی، تحریک سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی است.

این برنامه همچنین اصلاحاتی را برای بهبود نظام حکمرانی شرکت‌های دولتی، تقویت رقابت، افزایش کارایی بازارهای بدهی داخلی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی دولت در بر می‌گیرد. افزون بر این، اقداماتی در زمینه حمایت اجتماعی و توسعه انرژی پاک نیز در این برنامه پیش‌بینی شده است.

جهش دارویی در چین؛ فرصت طلایی ارزان یا قمار بر سر سلامت بیماران؟

چین

انتقال شتابان کارآزمایی‌های بالینی دارویی به چین، چالش‌های ژرفی را میان بهره‌وری اقتصادی و استانداردهای ایمنی جهانی پدید آورده است.

جهش شتابان کارآزمایی‌های دارویی در چین، تحولی بنیادین در اقتصاد درمان پدید آورده که از سویی هزینه‌های سرسام‌آور پژوهش را به شدت کاهش داده و از سوی دیگر با چالش‌های جدی ایمنی و اخلاقی روبه‌رو است.

انقلاب خاموش در ثبت کارآزمایی‌های بالینی

در سال‌های اخیر، بازار دارویی جهان شاهد تغییرات ساختاری چشمگیری بوده است که طی آن، بازیگران کلیدی زیست‌فناوری به سوی سرزمین چین سرازیر شده‌اند. این پدیده که ناشی از هزینه‌های سنگین پژوهش در کشورهای غربی است، نویدبخش تسریع فرآیند درمان بیماری‌های صعب‌العلاج شده است. با این وجود، شتاب بی‌محابای این روند پرسش‌های جدی را درباره شفافیت داده‌ها و جان بیماران برانگیخته است.

بر اساس گزارش سالانه مرکز ارزیابی داروی چین، شمار کارآزمایی‌های بالینی ثبت‌شده در این کشور به رکوردهای بی‌سابقه‌ای دست یافته و سهم بزرگی از مطالعات جهانی را به خود اختصاص داده است. این ارقام نشان‌دهنده تغییر کانونی عظیمی در نقشه پژوهش‌های پزشکی جهان است که به پشتوانه زیرساخت‌های عظیم بیمارستانی شکل گرفته است. افزون بر این، پژوهش‌های منتشرشده توسط دفتر پژوهش‌های اقتصادی نشان می‌دهند که چین توانسته است در حجم ثبت سالانه از ایالات متحده پیشی بگیرد و به قطب اصلی مطالعات انکولوژی و سلول‌درمانی تبدیل شود. این موفقیت حاصل سیاست‌های حمایتی دولت و ایجاد هزاران مرکز درمانی پیشرفته است.

محرک‌های اقتصادی و سرعت خیره‌کننده پژوهش‌ها

از نگاه کارشناسان صنعتی، کاهش هزینه‌ها و سرعت بالای استخدام داوطلبان اصلی‌ترین محرک این مهاجرت بزرگ تجاری به شمار می‌رود که اقتصاد درمان را دگرگون کرده است. شرکت‌های نوپا که با بحران بودجه روبه‌رو هستند، می‌توانند با هزینه‌ای بسیار کمتر از غرب، داده‌های بالینی مورد نیاز خود را تامین کنند.

به گفته تحلیلگران بازار، اصلاحات نهادهای مقرراتی پکن در کوتاه کردن زمان بررسی درخواست‌های آغاز کارآزمایی، بوروکراسی را به حداقل رسانده و چرخه توسعه دارو را سرعت بخشیده است. این دستاوردها زمینه‌ساز جذب سرمایه‌های کلان کلینیکی شده است.

در نتیجه، استارتاپ‌های بیوتکنولوژی می‌توانند پیش از اتمام منابع مالی محدود خود، فازهای دشوار بالینی را با موفقیت پشت سر بگذارند و به مرحله جذب سرمایه بعدی برسند.

زنگ خطر ایمنی و واکنش نهادهای نظارتی غرب

با این وجود، شتاب‌زدگی در اجرای مطالعات بالینی هزینه‌های انسانی سنگینی به دنبال داشته و حوادث ناگواری مانند مرگ برخی داوطلبان در مراکز پژوهشی شانگهای نگرانی‌های عمیقی ایجاد کرده است. این رویدادها نشان‌دهنده شکاف‌های احتمالی در نظارت بر ایمنی بیماران در برخی از مطالعات موسوم به ابتکار پژوهشگر است.

در همین راستا، سیاستمدارانی همچون «جان مولینار» از کنگره ایالات متحده به همراه مقامات سازمان غذا و دارو (FDA)، خواستار بازرسی‌های سخت‌گیرانه‌تر و ممیزی‌های دقیق‌تر روی سایت‌های خارجی شده‌اند تا از اصالت داده‌ها اطمینان حاصل شود.

در مقابل، مدافعان این مطالعات استدلال می‌کنند که تطبیق داده‌های چین با استانداردهای بین‌المللی توانسته است بخشی از نگرانی‌ها را درباره قابلیت اعتماد نتایج کاهش دهد.

دوراهی تعادل میان منافع تجاری و اصول انسانی

تنش میان مزیت‌های اقتصادی و الزامات ادامه خبر را در لینک بخوانید

خبر

زنگ خطر برای بازار گاز اروپا

آلمان، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده گاز طبیعی در اتحادیه اروپا، زمستان امسال را با ذخایری به‌مراتب پایین‌تر از سطح هدف‌گذاری‌شده آغاز می‌کند؛ وضعیتی که نگرانی‌ها درباره افزایش قیمت انرژی و آسیب‌پذیری بازار گاز اروپا در برابر شوک‌های عرضه را تشدید کرده است.

مخازن گاز آلمان با ظرفیت حدود ۲۵۰ تراوات‌ساعت، تنها ۶۲ درصد پر شده‌اند؛ در حالی که طبق الزامات قانونی، این میزان باید پیش از آغاز فصل سرما به ۸۰ درصد می‌رسید. ذخایر گاز اتحادیه اروپا نیز به‌طور میانگین کمتر از ۷۵ درصد ظرفیت مخازن است.

کاهش ذخایر آلمان می‌تواند این کشور را به خرید بیشتر گاز از بازارهای نقدی وادار کند و در نتیجه، فشار افزایشی بر قیمت‌ها در سایر کشورهای اروپایی وارد سازد. در همین حال، قیمت شاخص گاز اروپا هفته گذشته از ۱۰۰ یورو به‌ازای هر مگاوات‌ساعت عبور کرد؛ سطحی که از دسامبر ۲۰۲۲ مشاهده نشده بود.

دولت آلمان اختلال در عرضه از مسیر تنگه هرمز و افزایش قیمت‌ها را از عوامل اصلی عقب‌ماندگی ذخایر اعلام کرده است.

رکوردشکنی صادرات کره جنوبی

صادرات کره جنوبی در اکتبر ۲۰۲۶ با ثبت جهشی کم‌سابقه، تقریباً دو برابر شد؛ اتفاقی که نشان‌دهنده شتاب تقاضای جهانی برای فناوری‌های هوش مصنوعی و تراشه‌های پیشرفته است. بر اساس آمار منتشرشده از سوی دولت این کشور، ارزش صادرات کره جنوبی با رشد ۹۳.۷ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته، به ۱۱۵.۲۸ میلیارد دلار رسید؛ بالاترین رشد از ژانویه ۱۹۷۴ تاکنون.

موتور اصلی این جهش، صادرات نیمه‌رساناها بود که با افزایش ۲۵۹.۴ درصدی به ۵۶.۴۴ میلیارد دلار رسید. همچنین صادرات رایانه، تحت تأثیر تقاضای فزاینده برای سرورهای هوش مصنوعی، ۴۹۶.۶ درصد افزایش یافت. سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ فناوری جهان در زیرساخت‌های هوش مصنوعی، تقاضا برای محصولات شرکت‌هایی مانند سامسونگ و اس‌کی هاینیکس را به‌شدت تقویت کرده است.

در همین حال، صادرات کره جنوبی به چین ۱۳۳.۶ درصد و به آمریکا ۱۸۵.۸ درصد رشد کرد. مجموع صادرات این کشور در ۱۰ ماه نخست سال به ۹۳۰ میلیارد دلار رسید و دولت انتظار دارد تا پایان نوامبر از مرز یک تریلیون دلار عبور کند. واردات نیز با رشد ۳۶ درصدی به ۷۲.۷۸ میلیارد دلار رسید. مازاد تجاری ماهانه کره جنوبی ۴۲.۵ میلیارد دلار ثبت شد؛ آماری که جایگاه این کشور را به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی تجارت جهانی و زنجیره تأمین فناوری بیش از پیش تقویت می‌کند.

تصمیم جدید اوپک‌پلاس برای دسامبر

هفت عضو اصلی اوپک‌پلاس با تثبیت اهداف تولید نفت برای ماه دسامبر موافقت خواهند کرد. منابع آگاه اعلام کرده‌اند عربستان سعودی، روسیه، عراق، کویت، الجزایر، قزاقستان و عمان فعلاً برنامه‌ای برای تغییر سهمیه‌های تولید ندارند. اختلال در صادرات نفت ناشی از جنگ آمریکا و ایران، همچنان بر عرضه نفت این کشورها تأثیر گذاشته و بیشتر اعضای حوزه خلیج فارس پایین‌تر از سهمیه تعیین‌شده تولید می‌کنند. اوپک‌پلاس در سال ۲۰۲۶ بخشی از محدودیت‌های عرضه را به‌تدریج کاهش داده و در سپتامبر، روند لغو کاهش تولید روزانه ۱.۶۵ میلیون بشکه‌ای را تکمیل کرده بود.

بحران انرژی به پاکستان هم رسید

تشدید کمبود گاز مایع (LPG) در پاکستان در پی اختلال در مبادلات مرزی با ایران، موجب افزایش شدید قیمت این فرآورده در بازار آزاد شده است؛ به‌طوری‌که نرخ هر کیلوگرم LPG در بازار آزاد به ۶۳۰ روپیه رسیده و بیش از دو برابر نرخ رسمی آن معامله می‌شود.

به گزارش روزنامه پاکستانی Dawn، سازمان تنظیم مقررات نفت و گاز پاکستان (OGRA) قیمت رسمی هر کیلوگرم گاز مایع را حدود ۲۹۴ روپیه و قیمت یک کپسول ۱۱.۸ کیلوگرمی را ۳ هزار و ۴۷۰ روپیه تعیین کرده است. با این حال، کمبود عرضه در بازار آزاد باعث شده قیمت این محصول به‌طور قابل‌توجهی از نرخ مصوب فاصله بگیرد.

عرفان خوخار، رئیس انجمن توزیع‌کنندگان LPG پاکستان می‌گوید: مشکلات ایجادشده در مرزهای مشترک با ایران، بازار را با اختلال جدی مواجه کرده است. دست‌کم ۷۰ درصد از نیاز پاکستان به LPG از طریق واردات از ایران تأمین می‌شده و محدودیت‌های مرزی، دسترسی به این منبع تأمین را با مشکل روبه‌رو کرده است.